

موافقت‌نامه‌های انتخاب دادگاه در دعاوی مالکیت فکری؛ بررسی کنوانسیون لاهه ۲۰۰۵

سعید حبیبیا*

دانشیار گروه حقوق خصوصی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

فرزانه شاکری

دانشجوی دکتری حقوق خصوصی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۳/۱۷ - تاریخ تصویب: ۱۳۹۴/۹/۲)

چکیده

در سه دهه اخیر تحولات در عرصه تکنولوژی و ارتباطات، به‌ویژه اینترنت، و تمایل کشورها به هماهنگی در حمایت از حقوق مالکیت فکری در سطح بین‌المللی، ابعاد خاصی را در صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌ها در رسیدگی به دعاوی مالکیت فکری و شناسایی و اجرای آرای صادره مطرح کرده است. مهم‌ترین سند بین‌المللی که تا به امروز به جنبه‌های حقوق بین‌الملل خصوصی حقوق مالکیت فکری پرداخته، کنوانسیون لاهه ۲۰۰۵ درباره موافقت‌نامه‌های انتخاب دادگاه است. با وجود اهمیت موضوع در عرصه بین‌الملل، خلأ قانونی در ایران از حیث قواعد صلاحیت و شناسایی و اجرا در دعاوی مالکیت فکری مشهود است. در این مقاله کوشش شده است تا با بررسی سابقه تدوین کنوانسیون و تحلیل مواد مربوط به صلاحیت و شناسایی و اجرا در دعاوی مالکیت فکری، ضمن معرفی کنوانسیون و تأکید بر جنبه‌های مثبت آن، به دستاوردهایی که ممکن است عضویت ایران در کنوانسیون به همراه داشته باشد، اشاره شود.

واژگان کلیدی

اعتبار، حقوق مالکیت‌های ادبی و هنری، حقوق مرتبط، شناسایی و اجرا، صلاحیت، نقض.

۱. مقدمه

با توجه به اصل سرزمینی بودن حقوق مالکیت فکری، بحث در خصوص رابطه میان حقوق مالکیت فکری و حقوق بین‌الملل خصوصی به دلیل نبود تصور وجود عنصر خارجی در دعای مالکیت فکری در نگاه اول متضمن نوعی پارادوکس است. با این حال، امروزه تردیدی وجود ندارد که دعای مالکیت فکری ممکن است در کشوری غیر از کشور محل اعطای حق مطرح شود. فراوانی انعقاد قراردادهای بین‌المللی با موضوع حقوق مالکیت فکری و همچنین وجود رسانه‌های دیجیتال و اینترنت ابعاد جدیدی در چگونگی بهره‌برداری از حقوق مالکیت فکری و همچنین نقض این حقوق مطرح می‌کند که باید لحاظ شود.

بارقه‌های توجه به جنبه‌های بین‌الملل خصوصی حقوق مالکیت فکری از مدت‌ها پیش در برخی اسناد منطقه‌ای و قوانین ملی وجود داشته است که از آن جمله می‌توان به کنوانسیون بروکسل - و در پی آن به آیین‌نامه بروکسل ۱- و قانون اساسی امریکا اشاره کرد (Kono, 2012, p.11). اما تلاش جدی برای طرح این مسئله در سطح بین‌المللی از مذاکرات راجع به کنوانسیون آرای لاهه در سال ۱۹۹۰م آغاز شد که پس از طی فراز و نشیب‌های فراوان سرانجام با قلمرویی بسیار مضیق‌تر از آنچه در آغاز مطرح شده بود، به شکل کنوانسیون لاهه ۲۰۰۵ تصویب شد. گفتنی است، افزون بر کنوانسیون لاهه ۲۰۰۵، تلاش‌هایی در مناطق مختلف دنیا برای تنظیم اصول حاکم بر رابطه حقوق بین‌الملل خصوصی و حقوق مالکیت فکری صورت گرفته است که بیشتر به عنوان قانون نمونه قابل استفاده است^۱. بنابراین در حال حاضر یکی از مهم‌ترین اسناد بین‌المللی که در خصوص حقوق بین‌الملل خصوصی حقوق مالکیت فکری وجود دارد، کنوانسیون لاهه ۲۰۰۵ راجع به موافقت‌نامه‌های انتخاب دادگاه است که در موادی از آن به حقوق مالکیت فکری اشاره شده است^۲.

با وجود توجه جامعه بین‌الملل به اهمیت جنبه‌های بین‌الملل خصوصی حقوق مالکیت فکری، این موضوع مهم در قوانین ایران نادیده گرفته شده است. هرچند استناد به قواعد صلاحیت در قانون آیین دادرسی مدنی برای تعیین دادگاه صالح در دعای مالکیت فکری با

۱. از جمله این اصول می‌توان به «ALI Principles»، «CLIP Principles» و «WASEDA Principles» اشاره کرد.

۲. لازم به یادآوری است که پیش‌نویس کنوانسیون راجع به صلاحیت و شناسایی آرا در موضوعات مالکیت فکری (۲۰۰۱م) نیز از دیگر اسناد مهمی است که به جنبه‌های حقوق بین‌الملل خصوصی می‌پردازد. اما با توجه به اینکه وضعیت آن همچنان به صورت پیش‌نویس است، در مقایسه با کنوانسیون لاهه اهمیت عملی کمتری دارد. در لزوم تدوین سندی بین‌المللی که به‌طور اختصاصی به جنبه‌های بین‌الملل خصوصی حقوق مالکیت فکری بپردازد، تردیدی وجود ندارد، اما دستیابی به این موضوع مهم با توجه به پیچیدگی‌هایی که در خصوص آن وجود دارد، اندکی دشوار است (Dreufuss & Ginsburg, 2002, p.102).

جنبه بین‌المللی نیز در مواردی از جمله صلاحیت برای رسیدگی به دعاوی، نقض و ثبت و اعتبار حقوق مالکیت فکری ممکن است به شدت دارای خلأ قانونی باشد. امکان دارد این خلأ از یک سو دادگاه‌های ایران را در اعمال صلاحیت خود برای رسیدگی به برخی دعاوی مالکیت فکری با نبود مبنای قانونی روبرو سازد و از سوی دیگر شناسایی و اجرای آرای صادره از محاکم ایران را در کشورهای خارجی دشوار کند. در این شرایط به نظر می‌رسد الحاق ایران به کنوانسیون لاهه ۲۰۰۵ می‌تواند گام مهمی به سوی خارج کردن دادگاه‌های ایران از انزوای صلاحیت‌های بین‌المللی در دعاوی مالکیت فکری باشد. به این ترتیب، در این مقاله برای درک بهتر کنوانسیون لاهه ۲۰۰۵ و آثار مثبت الحاق ایران به آن، در دو قسمت به بررسی کنوانسیون می‌پردازیم. از آنجا که مطالعه فراز و نشیب‌های تدوین کنوانسیون و بررسی اهداف و قلمرو آن نقش مهمی در درک بهتر مقررات مربوط به دعاوی مالکیت فکری دارد، قسمت اول مقاله را به این موضوعات اختصاص داده‌ایم و در قسمت دوم برای تکمیل بحث، به بررسی مقررات ویژه کنوانسیون در خصوص دعاوی مالکیت فکری پرداخته‌ایم.

۲. تاریخچه، اهداف و قلمرو کنوانسیون لاهه ۲۰۰۵ راجع به موافقت‌نامه‌های انتخاب دادگاه

در این قسمت، سابقه تدوین کنوانسیون از نقطه آغاز طرح مسئله در سال ۱۹۹۲م تا تصویب متن نهایی کنوانسیون در سال ۲۰۰۵م بررسی می‌شود. بحث در خصوص اهداف و قلمرو کنوانسیون نیز مقدمه لازم برای بررسی جایگاه دعاوی مالکیت فکری در کنوانسیون است که در ادامه خواهد آمد.

۲.۱. تاریخچه کنوانسیون لاهه ۲۰۰۵

در پی پیشنهاد امریکا در سال ۱۹۹۲م (Pfund, 1994, p.13)، کنفرانس لاهه راجع به حقوق بین‌الملل خصوصی در هفدهمین نشست خود تصمیم گرفت که مسئله صلاحیت، شناسایی و اجرای آرای خارجی در موضوعات مدنی و تجاری را در دستور کار نوزدهمین نشست کنفرانس قرار دهد (The Eighteenth Session, 1999, p.47).

پیش‌نویس کنوانسیون راجع به صلاحیت و آرای خارجی در موضوعات مدنی و تجاری که در جلسه کمیسیون ویژه در اکتبر ۱۹۹۹ تصویب شد، هم از لحاظ ساختار و هم از لحاظ محتوا

شباهت زیادی به کنوانسیون بروکسل^۱ ۱۹۶۸م^۲ و کنوانسیون لوگانو^۳ ۱۹۸۸م راجع به صلاحیت و اجرای آرای خارجی در موضوعات مدنی و تجاری داشت.

در پیش‌نویس کنوانسیون در کنار دیگر قواعد صلاحیت، صلاحیت رسیدگی به اعتبار حقوق مالکیت فکری که باید ثبت یا به ودیعه گذاشته شود، در انحصار دادگاه کشور محل ثبت و یا ودیعه قرار گرفت (ماده (۴) ۱۲)، پیش‌نویس سال ۱۹۹۹م). پیش‌بینی این صلاحیت به این معنا بود که سایر قواعد صلاحیت کنوانسیون در خصوص رسیدگی به دعاوی قراردادی (مانند قراردادهای مجوز)، دعاوی مسئولیت مدنی (مانند نقض حقوق مالکیت فکری) و یا موافقت‌نامه‌های تعیین صلاحیت در خصوص دعاوی مربوط به اعتبار حقوق مالکیت فکری قابل استناد نبودند. اما نمایندگانی که در جلسه اکتبر ۱۹۹۹ شرکت داشتند، نمی‌توانستند توافق کنند که آیا این صلاحیت انحصاری باید شامل مواردی نیز بشود که مسئله اعتبار به‌عنوان مسئله‌ای مقدماتی (به‌طور مشخص در دعاوی نقض حقوق مالکیت فکری، ماده (۶) و (۵) ۱۲) مطرح می‌شود یا منحصر به مواردی است که اعتبار حق به‌عنوان موضوع اصلی دعوا محل بحث است.

در جریان مذاکره در اواخر دهه ۹۰ میلادی، اینترنت و تجارت الکترونیک اهمیت فراوانی یافت و تلاش نظام‌های حقوقی بر آن بود که در عرصه قانون‌گذاری به این مسائل توجه کنند. در ایالات متحده آمریکا قانون کپی‌رایت هزاره دیجیتال^۴ در دست بررسی بود؛ اتحادیه اروپا در جریان مذاکره دستورالعمل‌های تجارت الکترونیک و کپی‌رایت در جامعه اطلاعاتی^۵ قرار داشت (برای مثال این دو دستورالعمل به مسئله مسئولیت ارائه‌دهندگان خدمات اینترنتی نسبت به محتوای مطالبی که مشتریانشان مطرح می‌کنند و همچنین صلاحیت و قانون حاکم بر چنین مسئولیتی می‌پردازند)؛ و کنوانسیون‌های بروکسل و لوگونا بازمینی شد تا به مسئله اینترنت و تجارت الکترونیک در قراردادهای مصرف‌کننده نیز توجه شود. همچنین برخی از سازمان‌های بین‌المللی به رابطه میان حقوق بین‌الملل خصوصی و حقوق مالکیت فکری توجه ویژه نشان دادند. برای مثال، سازمان جهانی مالکیت فکری در جریان مذاکرات راجع به معاهده اجراهای سمعی و بصری^۶ در دسامبر سال ۲۰۰۰ با مسئله تعارض قوانین در خصوص حقوق

۱. در سال ۲۰۰۲م آیین‌نامه بروکسل ۱ راجع به صلاحیت و شناسایی و اجرای آرای در موضوعات مدنی و تجاری جایگزین کنوانسیون بروکسل شد.

COUNCIL REGULATION (EC) No 44/2001 of 22 December 2000 on jurisdiction and the recognition and enforcement of judgments in civil and commercial matters, OJ EC L 12/2001

2. Brussels Convention

3. Lugano Convention

4. Digital Millennium Copyright Act (DMCA)

5. Directives on electronic Commerce and on Copyright in the Information Society

6. Treaty on Audiovisual Performances

مالکیت‌های ادبی و هنری و علائم تجاری در اینترنت دست به گریبان بود. درنهایت با توجه به تمامی این جریان‌ها در دنیا، متخصصان حقوق مالکیت فکری متوجه شدند که پروژه آرای لاهه^۱ می‌تواند بر حقوق مالکیت فکری تأثیرگذار باشد (Dreyuss, 2001, p.421).

به این ترتیب در سال ۲۰۰۰م، مذاکره‌کنندگان کنوانسیون تصمیم گرفتند که مذاکرات رسمی را متوقف کنند و به‌طور غیررسمی به بررسی موضوعاتی بپردازند که توافق نهایی در خصوص آن‌ها کمی دشوار است؛ از جمله حقوق مالکیت فکری و تجارت الکترونیک (PreIDoc. No 15, 2001). جلسه‌ای که در سال ۲۰۰۱م در شهر ژنو برگزار شد، اولین نشستی بود که به‌طور اختصاصی به موضوعات مالکیت فکری پرداخت. بعد از کنفرانس دو روزه‌ای که سازمان جهانی مالکیت فکری با موضوع حقوق بین‌الملل خصوصی حقوق مالکیت فکری تشکیل داد و در آن به پروژه آرای لاهه نیز پرداخت، کنفرانس لاهه جلسه یک‌روزه‌ای را برگزار کرد و در آن با استفاده از حضور تعداد بسیاری از کارشناسان مالکیت فکری و نمایندگان لاهه به بررسی نکات مربوط به حقوق مالکیت فکری در پروژه آرای لاهه پرداخت. هدف اصلی این جلسه بررسی این نکته بود که آیا به دلیل تفاوت در حقوق مالکیت فکری در نظام‌های حقوقی باید مقررات مختلفی را نیز در پروژه آرای لاهه در نظر گرفت یا خیر. تردیدی وجود نداشت که رسیدگی به اعتبار حقوق مالکیت فکری ثبت‌شده باید در صلاحیت انحصاری دادگاه محل ثبت باشد، اما همواره این تردید وجود داشته که آیا قلمرو این صلاحیت انحصاری محدود به مواردی است که در آن اعتبار حق به‌عنوان دعاوی اصلی مطرح می‌شود، یا مصادیقی مانند دعاوی نقض را که اعتبار به‌عنوان دفاع مطرح می‌گردد، دربر می‌گیرد (PreIDoc. No 13, 2001).

مذاکرات پیرامون دعاوی نقض حقوق مالکیت فکری در جلسه اتاوا ۲۰۰۱ نیز ادامه یافت. در این جلسه صلاحیت رسیدگی به دعاوی مسئولیت مدنی مندرج در ماده ۱۰ پیش‌نویس ۱۹۹۹م به‌ویژه در خصوص دعاوی اینترنتی بررسی شد. بیشتر مباحث بر فرضی متمرکز بود که عمل در یک کشور اتفاق می‌افتد، ولی آثار آن در کشورهای مختلفی قابل مشاهده است؛ مانند توهین، خسارت به محیط زیست و نقض حقوق مالکیت فکری (Schulz, 2004, p.215).

پس از جلسات غیررسمی، نمایندگان به این نتیجه رسیدند که می‌توانند در جلسه رسمی به توافق نهایی برسند. به این ترتیب، گروه کاری تعیین‌شده برای ادامه کار موظف شد که کار خود را بر صلاحیت بر مبنای موافقت‌نامه انتخاب دادگاه در دعاوی تجاری و مدنی متمرکز کند؛ موضوعی که کمترین اختلاف درباره آن وجود داشت.

در پی تغییرات متعدد در متن کنوانسیون، آخرین پیش‌نویس آن با تفاوت اندکی نسبت به پیش‌نویس ۲۰۰۴م از سوی کمیته تهیه پیش‌نویس در آوریل ۲۰۰۵ منتشر، و متن نهایی کنوانسیون نیز در ژوئن همان سال تصویب شد.

۲.۲. اهداف و قلمرو کنوانسیون لاهه ۲۰۰۵

با توجه به مواد کنوانسیون سه هدف را می‌توان برای آن برشمرد:

- اطمینان از رسیدگی به دعوا در مواردی که یکی از طرفین با استناد به موافقت‌نامه انحصاری از دادگاه صالح درخواست رسیدگی می‌کند. دادگاه انتخاب‌شده مکلف است به دعوا رسیدگی کند و نمی‌تواند در قبول یا رد صلاحیت، به تشخیص خود عمل کند (ماده ۲(۵)).
- اطمینان از رسیدگی نکردن به دعوا از سوی دادگاه‌هایی که صلاحیت ندارند. هر دادگاهی به‌غیر از دادگاه تعیین‌شده در موافقت‌نامه، مکلف است جز در موارد استثنا اعلام عدم صلاحیت کند (ماده ۶).
- رأی صادره از سوی دادگاه انتخاب‌شده در موافقت‌نامه، باید جز در موارد استثنا، شناسایی و اجرا شود (ماده ۱(۸)).

درواقع تکلیف دادگاه انتخاب‌شده برای رسیدگی به دعوا و عدم اعمال صلاحیت در اعلام کردن یا نکردن صلاحیت فقط در فرضی منطقی است که دادگاه دیگری صلاحیت رسیدگی به دعوا را نداشته باشد. اگر طرفین صلاحیت دادگاه را به صورت انحصاری پیش‌بینی نکنند، کنوانسیون سایر دادگاه‌ها را مکلف به اعلام نداشتن صلاحیت نمی‌داند. نتیجه حاصل از انحصاری نبودن صلاحیت آن است که هریک از طرفین ممکن است جداگانه دعوی را علیه طرف دیگر به‌طور هم‌زمان مطرح کند. اما وقتی موافقت‌نامه‌ای راجع به صلاحیت انحصاری است، رسیدگی‌های موازی مطرح نمی‌شود و به فرض تحقق آن نیز دادگاهی که به‌موجب موافقت‌نامه انتخاب نشده است، باید دعوا را با استناد به ماده ۶ رد کند. به همین دلیل قلمرو کنوانسیون به موافقت‌نامه‌های انحصاری صلاحیت محدود است.

با توجه به ماده ۱(۱) کنوانسیون می‌توان گفت که قلمرو آن از سه جهت محدود شده است: الف) کنوانسیون فقط بر دعاوی بین‌المللی حاکم است؛ ب) کنوانسیون فقط بر موافقت‌نامه‌های انحصاری انتخاب دادگاه حاکم است؛ ج) کنوانسیون فقط بر موضوعات مدنی و تجاری حاکم است.

در خصوص تعریف وصف بین‌المللی دعاوی مشمول کنوانسیون باید میان قواعد صلاحیت از یک سو و قواعد مربوط به شناسایی و اجرا از سوی دیگر تفکیک قائل شد. در

زمینه قواعد صلاحیت، ماده (۲) کلیه دعاوی را جز در مواردی که دو شرط یادشده در این ماده باهم وجود داشته باشند، بین‌المللی می‌داند. طبق این ماده، دعوا بین‌المللی است مگر اینکه طرفین دعوا هر دو در یکی از کشورهای عضو کنوانسیون اقامت داشته باشند و رابطه میان طرفین و کلیه عناصر مرتبط با دعوا (به غیر از مقرر دادگاه انتخاب‌شده) فقط با همان کشور ارتباط داشته باشد. اما در خصوص شناسایی و اجرای رأی، وصف بین‌المللی زمانی مصداق پیدا می‌کند که رأی صادره باید در کشوری غیر از کشور مقرر دادگاه صادرکننده رأی شناسایی و اجرا شود (ماده (۳) ۱). بنابراین می‌توان فرضی را پیش‌بینی کرد که رأی صادره برابر تعریف ماده (۲) ۱ بین‌المللی نیست، اما به دلیل شناسایی و اجرای آن در کشوری غیر از کشور محل صدور، وصف بین‌المللی می‌یابد.

دومین معیار در تعیین قلمرو کنوانسیون، شمول آن نسبت به موافقت‌نامه‌های انحصاری انتخاب دادگاه است. به جز مواردی که کشور عضو کنوانسیون از حق رزرو خود در ماده ۲۲ استفاده کرده باشد، کنوانسیون فقط شامل موافقت‌نامه‌های انحصاری انتخاب دادگاه می‌شود که شرایط آن در ماده (الف) ۳ پیش‌بینی شده است. با توجه به ماده اخیر پنج شرط برای آنکه موافقت‌نامه‌ای مشمول کنوانسیون باشد، ضروری است: باید موافقت‌نامه‌ای میان دو یا چند نفر وجود داشته باشد؛ شرایط شکلی مندرج در بند (ج) ماده ۳ رعایت شده باشد؛ موافقت‌نامه باید دادگاه‌های یکی از کشورهای عضو و یا یک یا چند دادگاه مشخص در یکی از کشورهای عضو را به‌عنوان دادگاه صالح تعیین کرده باشد؛ دادگاه یا دادگاه‌های انتخاب‌شده باید در یکی از کشورهای عضو کنوانسیون باشند؛ هدف از انتخاب دادگاه باید رسیدگی به اختلافاتی باشد که در خصوص یک رابطه حقوقی معین (از جمله موضوعات مربوط به حقوق مالکیت فکری) ایجاد شده و یا ممکن است ایجاد شود.

اما تعیین مصداق موافقت‌نامه‌های مشمول کنوانسیون چندان آسان نیست. به همین دلیل ماده (ب) ۳ کنوانسیون فرض انحصاری بودن موافقت‌نامه را پیش‌بینی کرده است. برابر این ماده، موافقت‌نامه‌هایی انحصاری فرض می‌شوند که دادگاه‌های یکی از کشورهای عضو را به‌عنوان دادگاه صلاحیت‌دار تعیین کنند یا اینکه یک یا چند دادگاه مشخص را در یکی از کشورهای عضو کنوانسیون به‌عنوان دادگاه‌های صلاحیت‌دار تعیین نمایند؛ مگر آنکه طرفین صراحتاً به نحو دیگری توافق کرده باشند. بنابراین مصادیق متعددی از موافقت‌نامه‌های صلاحیت، مشمول کنوانسیون هستند.

در خصوص اعتبار شکلی موافقت‌نامه انحصاری صلاحیت نیز کنوانسیون در ماده (ج) ۳ شرایط لازم را فهرست می‌کند. بر این اساس، انعقاد موافقت‌نامه و یا دلیل آن باید به صورت کتبی باشد و یا با هر وسیله ارتباطی دیگری که اطلاعات را برای ارجاعات بعدی در دسترس

قرار می‌دهد، مستند شده باشد. به نظر می‌رسد، کنوانسیون در مورد اخیر از ماده ۶ قانون نمونه آنسیترا ل راجع به تجارت الکترونیک ۱۹۹۶م تأثیر پذیرفته است.^۱ بنابراین موافقت‌نامه‌هایی که شرایط شکلی یادشده را نداشته باشند، مشمول کنوانسیون نخواهند بود. در مقابل، اگر موافقت‌نامه‌ای شرایط مقرر را داشته باشد، مشمول کنوانسیون بوده، قوانین ملی نمی‌توانند شروط شکلی اضافی را بر اعتبار آن‌ها تحمیل کنند (Hartley & Doguchi Report, 2004, paras 55-60).

در خصوص اعتبار ماهوی موافقت‌نامه‌های صلاحیت انحصاری، کنوانسیون به صراحت حکمی ندارد. اما باید توجه داشت که در بسیاری از نظام‌های حقوقی مواردی وجود دارد که آزادی اراده طرفین در انتخاب دادگاه صالح محدود شده یا به‌طور کلی رد شده است. بسیاری از این موضوعات در ماده ۲ کنوانسیون از قلمرو آن استثنا شده‌اند. افزون‌براین، کنوانسیون فهرست کاملی از مصادیقی را ارائه می‌دهد که بر اساس آن دادگاهی غیر از دادگاه انتخاب‌شده به‌موجب موافقت‌نامه می‌تواند به دعوا رسیدگی کند (ماده ۶) یا دادگاهی که از آن درخواست شناسایی و اجرای رأی صادره از دادگاه انتخابی شده است، می‌تواند رأی صادره را شناسایی و اجرا کند (ماده ۹). آنچه که در این مواد اهمیت دارد، تعیین قانون حاکم بر موافقت‌نامه است. برابر ماده ۵(۱) کنوانسیون، قانون حاکم بر اعتبار موافقت‌نامه انتخاب دادگاه، قانون مقرر دادگاه انتخابی است. این قاعده برای جلوگیری از اعمال هرگونه استاندارد دوگانه پیش‌بینی شده تا دادگاه‌هایی که ممکن است در مراحل مختلف به اعتبار موافقت‌نامه رسیدگی کنند، قانون واحدی را نسبت به اعتبار ماهوی موافقت‌نامه انتخاب دادگاه اعمال نمایند. اما در تفسیر ماده ۵(۱) این اختلاف نظر وجود دارد که آیا منظور از قانون، قوانین ماهوی کشور مقرر دادگاه در کنار قواعد حل تعارض است (Hartley & Doguchi Report, 2004: para 93) یا مراد صرفاً قوانین ماهوی آن کشور می‌باشد (CLIP, 2013, p.133).

به‌عنوان سومین و آخرین معیار تعیین قلمرو کنوانسیون، باید به شمول آن نسبت به موضوعات مدنی و تجاری اشاره کرد. البته موضوعات مدنی و تجاری در کنوانسیون تعریف نشده‌اند و در تبیین آن باید مستقل از هر نظام حقوقی ملی عمل کرد. مسلم است که موضوعات حقوق عمومی و حقوق کیفری از شمول کنوانسیون خارج‌اند؛ به‌علاوه برخی از موضوعات مدنی و تجاری نیز در ماده ۲ کنوانسیون از شمول آن خارج شده‌اند که در سطور آینده به استثناهای مربوط به حقوق مالکیت فکری خواهیم پرداخت.

۱. در بند اول ماده ۶ قانون نمونه آمده است، در جایی که طبق قانون، اطلاعات باید به صورت کتبی باشد، پیام داده‌ای که اطلاعات مندرج در آن برای استفاده در ارجاعات بعدی در دسترس است، این شرط را دارد.

۳. مقررات ویژه کنوانسیون لاهه ۲۰۰۵ در خصوص دعاوی مالکیت فکری

در قسمت دوم مقاله به بررسی قواعد ویژه کنوانسیون لاهه ۲۰۰۵ در خصوص صلاحیت‌های انحصاری برای رسیدگی به دعاوی مالکیت فکری و شناسایی و اجرای آرای صادره در دعاوی مالکیت فکری می‌پردازیم.

۳.۱. صلاحیت در رسیدگی به دعاوی مالکیت فکری

آزادی اراده طرفین مهم‌ترین اصلی است که کنوانسیون لاهه ۲۰۰۵ بر آن استوار است. اما باید دید این آزادی در خصوص حقوق مالکیت فکری چگونه اجرا می‌شود. همان‌طور که گفته شد، قلمرو کنوانسیون جز در چند مورد شامل حقوق مالکیت فکری نیز می‌شود. استثناهایی که به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم با حقوق مالکیت فکری ارتباط دارند، عبارت‌اند از:

الف) موافقت‌نامه‌هایی که در آن یکی از طرفین شخص حقیقی (مصرف‌کننده) است که برای مقاصد شخصی، خانوادگی و یا استفاده در منزل عمل می‌کند^۱ (ماده الف)(۱)(۲).

ب) اعتبار حقوق مالکیت فکری به‌غیر از مالکیت‌های ادبی و هنری و حقوق مرتبط (ماده ن)(۲)(۲).

ج) نقض حقوق مالکیت فکری به‌غیر از مالکیت‌های ادبی و هنری و حقوق مرتبط به‌جز مواردی که دعوای نقض به شکل دعوای نقض قراردادی میان طرفین مطرح شده باشد و یا امکان طرح آن به صورت دعوای نقض قراردادی وجود داشته باشد (ماده س)(۲)(۲).

منظور از استثنای اول مواردی مانند قراردادهای مجوز میان تاجر و مصرف‌کننده است که مشمول کنوانسیون نیستند^۲، اما تعیین مصادیق استثنای دوم و سوم نیاز به تأمل دارد. در نگاه اول به‌نظر می‌رسد که کلیه دعاوی مربوط به حقوق مالکیت‌های ادبی و هنری و حقوق مرتبط اعم از دعوای قراردادی، اعتبار و نقض مشمول کنوانسیون هستند و آنچه استثنا شده، دعاوی مربوط به سایر حقوق مالکیت فکری است. با توجه به اینکه دعاوی مربوط به حقوق مالکیت

۱. این ماده تا حد زیادی شبیه بند الف ماده ۲ کنوانسیون وین ۱۹۸۰ راجع به بیع بین‌المللی کالا است. در این بند نیز قراردادهای مربوط به بیع کالاهایی که برای استفاده شخصی، خانوادگی و یا استفاده در منزل منعقد می‌شوند، از شمول کنوانسیون خارج شده‌اند. هماهنگی میان این اسناد منطقی است. بیع بین‌المللی کالا از جمله رایج‌ترین اشکال معاملات بین‌المللی است و قراردادهای مربوط به آن نیز در اغلب موارد متضمن شرط انتخاب دادگاه صلاحیت‌دار برای رسیدگی به دعاوی احتمالی است. بنابراین در صورت پیش‌بینی دادگاه صلاحیت‌دار از یک سو و جمع سایر شرایط، این توافق می‌تواند مشمول کنوانسیون لاهه ۲۰۰۵ راجع به موافقت‌نامه‌های انتخاب دادگاه باشد.

۲. استثنا کردن قراردادهای میان تاجر و مصرف‌کننده مطابق با دیدگاهی است که در آن مصرف‌کننده طرف ضعیف‌تر قرارداد است (مافی، محمدی و کاویار، ۱۳۹۰، ص ۱۶۴). هرچند در حقوق اتحادیه اروپا توافق مصرف‌کننده با تاجر برای تعیین دادگاه صالح و قانون حاکم بر قرارداد پذیرفته شده است، قبول اعتبار و صحت چنین توافقی‌هایی بر اساس کنوانسیون لاهه به دلیل جنبه انحصاری صلاحیت در آن پذیرفتنی نیست.

فکری ممکن است در سه فرض دعاوی قراردادی، دعاوی مربوط به ثبت و اعتبار حق و دعاوی ناشی از نقض حق متصور باشد، هریک از این فرض‌ها را به تفکیک بررسی خواهیم کرد.

۳. ۱. ۱. دعاوی قراردادی حقوق مالکیت فکری

در جریان تدوین کنوانسیون، بیشتر نمایندگان با شمول کنوانسیون نسبت به دعاوی مجوز و انتقال حقوق مالکیت فکری موافق بودند. بنابراین کنوانسیون لاهه ۲۰۰۵ شامل کلیه دعاوی مربوط به قراردادهای مالکیت فکری، اعم از مالکیت‌های ادبی و هنری و مالکیت‌های صنعتی؛ از جمله قراردادهای مجوز، قراردادهای توزیع، قراردادهای جوینت ونچر، قراردادهای نمایندگی و قراردادهای توسعه حقوق مالکیت فکری است (Hartley & Doguchi Report, 2004, para 76). برای مثال طرفین قرارداد بهره‌برداری که متضمن شرط انتخاب دادگاه است، باید دعاوی خود را در آن دادگاه مطرح کنند و رأی صادره از آن دادگاه، برابر مقررات کنوانسیون قابل شناسایی و اجراست. در شمول کنوانسیون نسبت به این دعاوی حتی در فرضی که مجوزگیرنده مسئله بی‌اعتباری حق را به‌عنوان دفاع مطرح می‌کند، تردیدی نیست. ماده (س)۲(۲) در کنار ماده (۳)۲ نیز این نظر را تأیید می‌کند که طرح مسئله اعتبار یا بی‌اعتباری حق به‌عنوان مسئله‌ای فرعی مانند دفاع^۱، دعا را از شمول کنوانسیون خارج نمی‌کند^۲. البته چگونگی شناسایی و اجرای چنین آرای با ملاحظات همراه است که به آن خواهیم پرداخت.

۳. ۱. ۲. دعاوی مربوط به اعتبار حقوق مالکیت فکری

اعضای کمیسیون ویژه هنگام تهیه پیش‌نویس کنوانسیون اتفاق نظر داشتند که دعاوی‌ای که موضوع اصلی آن‌ها اعتبار حق اختراع یا علامت تجاری بوده و در برابر همه از جمله اشخاص

۱. در برخی نظام‌های حقوقی بی‌اعتباری حق را می‌توان به‌عنوان دفاع مطرح کرد و در برخی نظام‌های دیگر بی‌اعتباری باید به صورت دعوی متقابل مطرح شود. در نظام‌های حقوقی اخیر مسئله بی‌اعتباری حق جنبه فرعی ندارد و در نتیجه استثنای ماده (۴)۲(۲) شامل دعاوی متقابل نیز می‌شود. در این موارد صلاحیت بین‌المللی باید بر اساس قواعد صلاحیت ملی تعیین تکلیف شود.

۲. بسیاری از قراردادهای مجوز، مانند قراردادهای مجوز علامت تجاری متضمن شرطی به نام عدم چالش (no challenge clause) هستند که بر اساس آن امتیازگیرنده تعهد می‌کند که اعتبار علامت تجاری را به چالش نکشاند. اما اگر امتیازگیرنده به هر دلیل مثلاً زمانی که به دلیل پرداخت نکردن حق‌الامتیاز طرف دعوا قرار می‌گیرد، مسئله پذیرفتن یا نپذیرفتن ادعای بی‌اعتباری به قانون آیین دادرسی ملی بستگی دارد. در بیشتر موارد وجود این شرط، ادعای خواهان را غیر قابل پذیرش نمی‌کند اما به امتیازدهنده این حق را می‌دهد که با استناد به نقض قرارداد، مطالبه خسارت کند. بنابراین استفاده از این شرط در قراردادها، قاعده «مسئله فرعی» در کنوانسیون لاهه ۲۰۰۵ را بی‌اثر نمی‌کند.

ثالث قابل استناد است^۱، باید از قلمرو کنوانسیون استثنا شود. برخی حقوق‌دانان^۲ لزوم تصریح به شامل نشدن کنوانسیون نسبت به دعاوی مربوط به حقوقی غیر از حقوق مالکیت‌های ادبی و هنری و حقوق مرتبط را بر این مبنا توجیه می‌کردند که برابر ماده (الف)(۱)۲، کنوانسیون دعاوی ای را که در آن یکی از طرفین موافقت‌نامه مصرف‌کننده است دربر نمی‌گیرد. از طرف دیگر در بیشتر مواردی که موضوع دعوا یکی از حقوق مالکیت‌های ادبی و هنری و یا حقوق مرتبط است، یکی از طرفین مصرف‌کننده است و در نتیجه دعوا به استناد ماده (الف)(۱)۲ از شمول کنوانسیون خارج است. بنابراین درعمل، بیشتر اعتبار حقوقی مانند حق اختراع، علائم تجاری و امثال آن که هر دو طرف آن تاجر هستند، مطرح می‌شود که این حقوق نیز در بیشتر کشورها مشمول صلاحیت‌های انحصاری است و در نتیجه استثنا نکردن آن‌ها دور از رویه معمول در نظام‌های حقوقی ملی می‌باشد (Andrea Schulz, 2005, p.48).

اما پرسش اصلی هنگام تدوین کنوانسیون این بود که چه مصادیقی از حقوق مالکیت فکری را می‌توان مشمول این استثنا دانست و چگونه می‌توان این مصادیق را در متن کنوانسیون آورد. آیا باید این حقوق را به صورت فهرستی جداگانه آورد یا لازم است به گروه مشخصی از حقوق مالکیت فکری اشاره کرد (مانند حقوق مالکیت فکری ثبت‌شده و یا مالکیت‌های صنعتی) و یا باید به شیوه‌ای دیگر عمل کرد؟ راه حل اول با توجه به گسترش دائمی مصادیق حقوق مالکیت فکری و لزوم به‌روزرسانی فهرست قابل تأمل بود. ایراد راه حل دوم به تفاوت قوانین ملی کشورها در خصوص لازم بودن یا نبودن ثبت باز می‌گردد. در برخی کشورها بعضی حقوق را می‌توان - و حتی باید - ثبت کرد؛ درحالی که در کشورهای دیگر این حقوق از جمله طرح‌های صنعتی، آثار ادبی و هنری و علائم تجاری ثبت نمی‌شوند. دیگر اینکه ممکن است برخی کشورها تکلیف به ثبت حقوق را بعدها در قانون خود پیش‌بینی کنند؛ بنابراین تعیین استثناها بر مبنای معیار ثبت شدن یا نشدن، به نابسامانی در اعمال کنوانسیون منجر خواهد شد.

سرانجام در متن نهایی کنوانسیون دیده می‌شود که ماده (ن)۲(۲) دعاوی مربوط به اعتبار تمام انواع حقوق مالکیت فکری به‌جز مالکیت‌های ادبی و هنری را از شمول کنوانسیون استثنا کرده است. بنابراین رسیدگی به دعاوی اعتبار حقوق مالکیت‌های ادبی و هنری مشمول کنوانسیون بوده و رأی صادره نیز طبق کنوانسیون قابل شناسایی و اجراست. در این میان تفاوتی نمی‌کند که مسئله اعتبار حقوق مالکیت ادبی و هنری و یا حقوق مرتبط موضوع اصلی دعوا باشد و یا جنبه فرعی و مقدماتی داشته باشد. اما برای تعیین شمول کنوانسیون نسبت به

1. in rem/erga omnes effect

2. Andrea Schulz

دعوی اعتبار دیگر حقوق مالکیت فکری باید میان فرضی که اعتبار حق به عنوان موضوع اصلی دعوا مطرح می‌شود و موردی که رسیدگی به اعتبار حق، مقدمه رسیدگی به دعوی اصلی است، تفکیک قائل شد.

در فرضی که مسئله اعتبار حق موضوع اصلی دعواست، تردیدی در شامل نشدن کنوانسیون نسبت به آن وجود ندارد. همچنین در مواردی که خواننده دعوی مالکیت فکری مسئله بی‌اعتباری حق را به صورت دعوی متقابل مطرح می‌کند نیز باید دعوا را از شمول کنوانسیون خارج دانست (Hartley & Dogauchi Report, 2004, para 78). در واقع دعوی متقابل خود دعوی مستقلی است که موضوع آن تعیین‌کننده شامل شدن یا نشدن قلمرو کنوانسیون نسبت به آن است؛ هرچند منشأ آن با دعوی اصلی یکی است (شمس، ۱۳۸۴، ج ۱، ص ۴۹۳).

فرض دوم مربوط به موردی است که بی‌اعتباری حق به عنوان دفاع از طرف خواننده مطرح می‌شود. در این فرض، رسیدگی به اعتبار حق، مقدمه لازم برای رسیدگی به دعوی اصلی است. برای مثال در دعوی که خواهان با استناد به قرارداد مجوز خواستار الزام خواننده به پرداخت حق‌الامتیاز است، خواننده ممکن است اعتبار حق را به عنوان دفاع مطرح کند. در این صورت تصمیم‌گیری راجع به الزام خواننده به پرداخت حق‌الامتیاز مقرر در قرارداد به تعیین تکلیف راجع به اعتبار حق موکول خواهد بود. این دفاع ممکن است در دعوی که موضوع آن نقض یکی از حقوق مالکیت فکری است نیز مطرح شود. در صورتی که بی‌اعتباری حق در مقام دفاع مطرح گردد و رسیدگی به آن به عنوان امری مقدماتی ضروری باشد، به صراحت ماده (۲۳) دعوی اصلی از شمول کنوانسیون خارج نمی‌شود. البته باید توجه داشت که شناسایی و اجرای رأی که بر اساس این رسیدگی مقدماتی صادر می‌شود، با ملاحظاتی همراه است که به آن خواهیم پرداخت.^۱

۳.۱.۳. دعوی ناشی از نقض حقوق مالکیت فکری

در زمان تدوین کنوانسیون، عده‌ای بر آن بودند که دعوی نقض ارتباط نزدیکی با مسئله اعتبار حقوق مالکیت فکری دارد که خود مصداق بارز صلاحیت انحصاری است و آزادی اراده

۱. در خصوص دادگاه صالح برای رسیدگی به دعوی اعتبار حقوق مالکیت فکری به جز مالکیت‌های ادبی و هنری سند بین‌المللی وجود ندارد و در هر مورد باید به قواعد صلاحیت کشور محل رسیدگی مراجعه کرد. به عنوان مثالی از قاعده صلاحیت در رسیدگی به این دعوی می‌توان به ماده (۴) ۲۴ آیین‌نامه اصلاحی بروکسل، ماده ۲:۴۰۱ اصول اروپایی و ماده ۲۰۹ اصول آسیایی اشاره کرد که دادگاه کشور محل ثبت حق را در رسیدگی به دعوی اعتبار این دسته از حقوق دارای صلاحیت انحصاری می‌دانند.

طرفین برای ابراز وجود در این زمینه مجالی ندارد^۱. در نتیجه از نظر این عده دعاوی نقض باید از شمول کنوانسیون استثنا می‌شود. در دعاوی نقض حق اختراع و علائم تجاری، خواننده اغلب برای دفاع، ادعای بی‌اعتباری حق را مطرح می‌کند. چنین شرایطی به‌ویژه هنگامی پیش می‌آید که هیچ رابطه قراردادی میان دارنده حق و نقض‌کننده وجود ندارد و در نتیجه موافقت‌نامه انتخاب دادگاهی نیز میان طرفین نیست تا موضوع مشمول کنوانسیون باشد. اما مواردی نیز وجود دارد که در آن قراردادی میان طرفین بسته شده که متضمن شرط انتخاب دادگاه است و با استناد به آن دعاوی میان طرفین که ناشی از رابطه حقوقی ویژه‌ای است باید در آن دادگاه مطرح شود. برای مثال می‌توان به پرونده‌هایی اشاره کرد که در آن مجوزدهنده طرف دیگر را برای حق‌الامتیازهای پرداخت‌نشده و زیان‌های ناشی از بهره‌برداری‌های خارج از حدود مجوز- از لحاظ کمی، کیفی یا زمانی- طرف دعوا قرار می‌دهد. چنین دعوی در برخی نظام‌های حقوقی، دعوی قراردادی و در برخی دیگر دعوی غیرقراردادی است و یا حتی ممکن است به هر دو صورت مطرح شود. هدف نمایندگان کشورها در تدوین کنوانسیون آن بود که کلیه دعاوی مربوط به قراردادهای مجوز و دیگر قراردادهای حقوق مالکیت فکری را مشمول کنوانسیون قرار دهند؛ حتی اگر دارنده حق بخواهد دعوا را در قالب غیرقراردادی مطرح کند (اما به شرط آنکه قراردادی وجود داشته باشد) تا از برخی امتیازات پیش‌بینی شده در قانون استفاده کند (Andrea Schulz, 2005, p.51).^۲

در متن نهایی کنوانسیون، ماده (۳)(۲) به این قسم از دعاوی پرداخته است. منطوق این ماده دعاوی نقض حقوق مالکیت فکری به‌غیر از حقوق مالکیت‌های ادبی و هنری و حقوق مرتبط را از شمول این کنوانسیون استثنا می‌کند. بنابراین طبق مفهوم مخالف این ماده، دعاوی راجع به نقض حقوق مالکیت‌های ادبی و هنری و حقوق مرتبط، مشمول این کنوانسیون است. اما با توجه به دغدغه‌هایی که در فرایند تدوین کنوانسیون وجود داشت، این ماده قلمرو خود را با پیش‌بینی استثنایی بر استثنا محدود می‌کند. در بخش پایانی ماده (س)(۲) آمده است دعاوی نقضی که در قالب نقض قرارداد مطرح می‌شوند و یا می‌توانستند در این قالب مطرح شوند، از شمول استثنا خارج بوده، داخل در قلمرو کنوانسیون‌اند. بنابراین هنگامی که الف)

۱. در انگلستان صلاحیت انحصاری مندرج در ماده (۴) ۲۲ آیین‌نامه بروکسل ۱ به‌اندازه‌ای مضیق تفسیر می‌شد که ادعای اعتبار حقوق مالکیت فکری در مقام دفاع را نیز دربر می‌گرفت. اما عملکرد دادگاه‌های آلمان و به‌ویژه هلند متفاوت بود. با این حال، دادگاه عدالت اروپا در پرونده GAT به تشریح رویه در دادگاه‌های کشورهای عضو اتحادیه اروپا پایان داد و تفسیری منطبق با رویه دادگاه‌های انگلستان ارائه کرد.

۲. در برخی کشورها مانند آلمان اثبات امور موضوعی برعهده خواهان است و تعیین امور حکمی وظیفه دادگاه. کشورهای نیز وجود دارند که در آن‌ها می‌توان به قواعد قراردادی و غیرقراردادی هم‌زمان و یا به‌جای هم استناد کرد. اما اجرای کنوانسیون باید فارغ از هرگونه تفاوت میان کشورهای عضو در زمینه قواعد آیین دادرسی ملی باشد.

قراردادی میان طرفین وجود دارد؛ ب) توافق‌نامه‌ای نیز در تعیین صلاحیت انحصاری دادگاه میان آن‌ها منعقد شده است (اعم از آنکه به صورت شرط ضمن قرارداد اصلی باشد یا به صورت قراردادی جداگانه)؛ ج) دعوا به‌عنوان نقض قراردادی مطرح شده و یا می‌توانسته به آن عنوان مطرح شود، دعوا مشمول کنوانسیون است، حتی اگر حق ادعاشده در زمره حقوقی باشد که در سطر ماده از قلمرو کنوانسیون استثنا شده است.

۳.۲. شناسایی و اجرای آرای مالکیت فکری

طبق قاعده کلی، رأی صادره از دادگاه یکی از کشورهای عضو کنوانسیون که صلاحیت خود را از موافقت‌نامه انحصاری انتخاب دادگاه می‌گیرد، باید بر اساس کنوانسیون در دیگر کشورهای عضو شناسایی و اجرا شود؛ مگر در مواردی که یکی از مبانی عدم شناسایی و اجرای مقرر در کنوانسیون وجود داشته باشد (ماده ۸(۱)). باید توجه داشت که قواعد کنوانسیون راجع به شناسایی و اجرا نسبت به آرای که در کشور محل صدور ملی شمرده می‌شوند نیز قابل اجراست؛ به شرط آنکه شناسایی و اجرای رأی از دادگاه یکی از کشورهای عضو غیر از کشور محل صدور خواسته شده باشد (ماده ۱(۳)). شرایط لازم برای شناسایی و اجرای آرای صادره و مبانی شناسایی نشدن اجرا به ترتیب در مواد ۸ و ۹ کنوانسیون پیش‌بینی شده است که با توجه به عام بودن آن بر کلیه دعاوی مشمول کنوانسیون از جمله دعاوی مالکیت فکری نیز حاکم است. از جمله شرایطی که می‌توان به آن‌ها اشاره کرد، لزوم مؤثر بودن رأی در کشور محل صدور برای شناسایی و نیز الزام قابل اجرا بودن آن در کشور محل اجراست. همچنین اگر رأی در کشور محل صدور مورد اعتراض قرار گرفته باشد و یا مهلت اعتراض به آن منقضی نشده باشد، امکان شناسایی و اجرای آن تا پیش از صدور رأی قطعی و یا انقضای مهلت اعتراض وجود ندارد. از جمله مبانی شناسایی و اجرا نشدن نیز می‌توان به بطلان یا بی‌اعتباری موافقت‌نامه، اهلیت نداشتن یکی از طرفین برای انعقاد موافقت‌نامه طبق قانون کشور محل درخواست شناسایی و اجرا، به‌دست آوردن رأی از طریق تقلب، مخالف بودن شناسایی و اجرای رأی با نظم عمومی کشور محل درخواست اشاره کرد. هرچند ماده ۹ در خصوص نبود امکان شناسایی و اجرای رأی صادره در خصوص یکی از موضوعات استثنائیه از شمول کنوانسیون تصریحی ندارد، تردیدی هم درباره آن وجود ندارد. بنابراین اگر رأی دادگاه درباره اعتبار و یا نقض یکی از حقوق مالکیت فکری به‌جز حقوق مالکیت‌های ادبی و هنری و حقوق مرتبط باشد، از آنجا که این موارد برابر بندهای (ن) و (س) ماده ۲(۲) کنوانسیون از قلمرو آن استثنا شده است، در نبود امکان شناسایی و اجرای آن‌ها شکی نیست.

اما بحث اصلی آنجاست که اگر یکی از این موارد به‌عنوان پرسش مقدماتی مطرح شود، شناسایی و اجرای خود رأی مقدماتی و همچنین رأی نهایی که بر اساس آن صادر شده است، چگونه خواهد بود. برای مثال، ممکن است دعوایی برای مطالبه حق‌الامتياز یک حق اختراع مطرح شود و دادگاه ناگزیر باشد به دلیل دفاع خواننده، نخست به اعتبار حق اختراع رسیدگی کند. اگر دادگاه بعد از بررسی پرسش مقدماتی به لزوم پرداخت حق‌الامتياز رأی دهد، دادگاهی که بعدها از آن درخواست شناسایی و اجرای رأی می‌شود، باید آن را شناسایی و اجرا کند. اما پرسش این است که محدوده شناسایی و اجرای رأی اصلی تا کجاست و آیا دادگاه اخیر باید رأی صادره در خصوص پرسش مقدماتی را نیز شناسایی و اجرا کند؟

تردید از آنجایی ناشی می‌شود که در بیشتر نظام‌های حقوق نوشته تنها رأی نهایی اثر و اعتبار دارد (مانند *dispositif* در فرانسه)، اما در کشورهای حقوق کامن‌لا، دادگاهی که به شناسایی و اجرا می‌پردازد، می‌تواند تحت شرایطی قاعده استوپل را اجرا کرده، رأی صادره در خصوص پرسش مقدماتی را نیز شناسایی و اجرا کند (Hartley & Doguchi Report, 2004, para 195). البته در مورد اخیر شناسایی و اجرای رأی معمولاً نسبی بوده، فقط در رابطه میان طرفین دعوا قابل استناد است، اما مصادیقی نیز وجود دارد که اثر رأی مطلق است؛ برای مثال تئوری توسعه اثر^۱ در آلمان مسئله شناسایی و اجرای رأی خارجی را توسعه آثار رأی از کشور محل صدور به کشور محل شناسایی و اجرا می‌داند و بنابراین شناسایی و اجرای رأی در خصوص پرسش مقدماتی را محدود به رابطه میان طرفین دعوا نمی‌داند (Andrea Schulz, 2005, p.52).

۳.۲.۱. شناسایی و اجرای آرای صادره در خصوص پرسش‌های مقدماتی

برابر ماده (۱) ۱۰، آرای مقدماتی صادره راجع به یکی از موضوعات استثنائیه در مواد (۲) ۲ و ۲۱ کنوانسیون، نباید شناسایی و اجرا شوند. بنابراین اگر مسئله اعتبار یک علامت تجاری به‌عنوان دفاع از طرف خواننده مطرح شود، تصمیمی که دادگاه در این خصوص می‌گیرد، قابل شناسایی و اجرا نیست. اما یک پرسش همچنان بی‌پاسخ می‌ماند: آیا مفهوم مخالف این ماده به این معناست که اگر موضوع رأی ابتدایی از مصادیق موضوعات استثنائیه از شمول کنوانسیون نباشد، قابل شناسایی و اجراست؟ برای مثال اگر دادگاه راجع به اعتبار یکی از حقوق مالکیت‌های ادبی و هنری رأی صادر کند، آیا می‌توان با استناد به کنوانسیون، با فرض تحقق دیگر شرایط، آن را شناسایی و اجرا کرد؟ پاسخ به این پرسش منفی است. در حقیقت اساساً کنوانسیون شامل شناسایی و اجرای آرای مقدماتی نمی‌شود؛ خواه موضوع آن از شمول کنوانسیون استثنائیه باشد خواه نه. با این وصف به‌نظر می‌رسد پیش‌بینی ماده (۱) ۱۰ زائد

باشد. اما باید گفت این ماده مکمل ماده ۲(۳) است. در ماده ۲(۳) تصریح شده است که طرح یکی از موضوعات استثنائیه از شمول کنوانسیون به عنوان پرسش مقدماتی دعوی اصلی را از شمول آن خارج نمی‌کند. به همین دلیل ممکن بود این تردید ایجاد شود که رأی صادره در خصوص موضوع مقدماتی نیز قابل شناسایی و اجراست. بنابراین هدف از ماده ۱۰(۱) رفع هرگونه ابهام مبنی بر عدم شناسایی و اجرای آرای مقدماتی است که موضوع آن‌ها از شمول کنوانسیون خارج است (Hartley & Dogauchi Report, 2004, para 196).

۳.۲.۲. اجرای آرای صادره بر اساس آرای مقدماتی

برابر ماده ۱۰(۲)، اگر رأی نهایی بر اساس رأی مقدماتی صادر شود که در ماده ۲(۲) کنوانسیون از شمول آن استثنائیه است، احتمال دارد شناسایی و اجرای رأی تا آنجا که مبتنی بر آن رأی مقدماتی است رد شود. این قاعده کلی است و اشاره به ماده ۲(۲) کنوانسیون مواردی را دربر می‌گیرد که مسئله بی‌اعتباری یکی از حقوق مالکیت فکری به عنوان مسئله مقدماتی مطرح می‌شود، اما با توجه به اهمیت دعاوی مالکیت فکری، تصمیم گرفته شد بند جداگانه‌ای (ماده ۱۰(۳)) به چگونگی اعمال ماده ۱۰(۲) به دعاوی مالکیت فکری اختصاص یابد (Hartley & Dogauchi Report, 2004, para 198).

بررسی ماده ۱۰(۳) کنوانسیون را با ذکر یک مثال آغاز می‌کنیم. فرض کنید دو نفر که هر دو ساکن کانادا هستند قرارداد مجوز استفاده از یک حق اختراع فرانسوی را منعقد کرده، در این توافقنامه قید می‌کنند که کلیه دعاوی ناشی از این قرارداد در صلاحیت دادگاه‌های کانادا است. در پی آن، صاحب حق اختراع، مجوزگیرنده را به دلیل پرداخت نکردن حق الامتیاز در یکی از دادگاه‌های کانادا طرف دعوا قرار می‌دهد. خواننده بی‌اعتباری حق اختراع را به عنوان دفاع مطرح کرده، دادگاه نیز به عنوان مسئله مقدماتی به آن رسیدگی می‌کند و در نهایت به نفع خواهان رأی می‌دهد. فرض کنیم که رأی به دلیل وقوع اموال محکوم‌علیه باید در فرانسه اجرا شود و محکوم‌له از یکی از دادگاه‌های فرانسوی و یا کشور ثالثی درخواست اجرای رأی کرده است. اگر حق اختراع فرانسوی موضوع قرارداد از طرف اداره ثبت اختراعات فرانسه نامعتبر اعلام شده باشد، تکلیف دادگاه چیست؟ برابر ماده (الف) ۱۰(۳)، از آنجا که حق اختراع طبق قانون فرانسه به ثبت رسیده و اداره ثبت اختراعات فرانسه نیز مرجع صلاحیت‌دار برای اعلام اعتبار یا بی‌اعتباری اختراع است، با استناد به بند الف ماده ۱۰(۳) می‌توان گفت که رأی دادگاه کانادایی ممکن است در فرانسه و یا هر کشور ثالث شناسایی و اجرا شود، زیرا با رأی صادره از اداره ثبت اختراع فرانسه در تعارض است. در همین مثال اگر مسئله اعتبار حق اختراع در اداره ثبت اختراعات فرانسه در حال رسیدگی باشد، دادگاه می‌تواند با استناد به ماده ۱۰(۳)

شناسایی و اجرا را متوقف کرده، منتظر نتیجه تصمیم مرجع رسیدگی بماند. اگر رأی صادره در تعارض با رأی درخواست‌شده برای شناسایی و اجرا نباشد، موضوع از شمول ماده ۱۰ خارج است؛ در غیر این صورت ماده (الف)(۳) ۱۰ حاکم خواهد بود.

تردید می‌کند که در جریان نگارش ماده (۳) ۱۰ کنوانسیون وجود داشت، به تفاسیر متفاوت نظام‌های حقوقی از تعارض در آرای صادره بازمی‌گردد. برای مثال در آلمان رأی «متضاد» شامل تصمیمات صادره از مراجع صلاحیت‌دار غیر از دادگاه (مانند اداره ثبت اختراعات) نیز می‌شود که با رأی صادره از دادگاه در تعارض است، اما در تمام نظام‌های حقوقی چنین نیست. در برخی نظام‌های حقوقی منظور از رأی متضاد فقط آرای است که از دادگاه صادر می‌شود (Andrea Schulz, 2005, p.54). ماده ۱۰ کنوانسیون به صورتی نگارش یافته است که هر دو مصداق را دربر می‌گیرد.

نکته مهم دیگر در خصوص هر دو بند ماده (۳) ۱۰، آن است که دادگاهی که از آن درخواست شناسایی و اجرا می‌شود، تکلیفی به شناسایی و اجرا نکردن و یا توقیف جریان ندارد. به عبارت دیگر دادگاه می‌تواند به صلاحدید خود عمل کند. در مثال بالا، دادگاه فرانسوی الزامی به شناسایی و اجرای حکم صادره از دادگاه کانادا مبنی بر پرداخت حق‌الامتیاز حق اختراعی که اداره ثبت اختراعات فرانسه غیر معتبر اعلام کرده ندارد، اما تکلیفی نیز به شناسایی و اجرا نکردن ندارد. بنابراین ملاحظات متعددی در شناسایی و اجرا شدن یا نشدن دخیل است. برای مثال باید دید که آیا دادگاه برای رأی صادره اعتبار امر مختوم قائل است یا خیر؛ آیا از نظر دادگاه بی‌اعتباری حقوق مالکیت فکری تأثیری در پرداخت حق‌الامتیاز قراردادی دارد یا خیر؛ آیا برای دادگاه مبنای صدور رأی اهمیت دارد و یا اینکه برای شناسایی و اجرا فقط منطوق رأی دارای اهمیت است.

۴. نتیجه

کنوانسیون لاهه راجع به موافقت‌نامه‌های انحصاری انتخاب دادگاه، مهم‌ترین سند بین‌المللی درباره صلاحیت، شناسایی و اجرای آرا در دعاوی مدنی و تجاری است.^۱ به نظر می‌رسد کنوانسیون جایگاه قابل قبولی در جامعه تجارت بین‌الملل و جامعه داوران تجاری بین‌الملل داشته باشد؛ هرچند هنوز تصویب‌کنندگان آن بیش از سه عضو (اتحادیه اروپا، مکزیک و آمریکا) نیستند و کنوانسیون لازم‌الاجرا نیست. اگرچه قلمرو کنوانسیون بسیار محدود است، در

۱. مهم‌ترین سند منطقه‌ای در این زمینه، آیین‌نامه بروکسل ۱ است. برای دیدن بحث در خصوص صلاحیت و شناسایی و اجرای آرا در خصوص دعاوی مالکیت فکری برابر آیین‌نامه، ر.ک.

همین قلمرو محدود نیز به دعاوی مالکیت فکری توجه می‌شود. باتوجه به خلأ قانون‌گذاری در ایران در زمینه صلاحیت برای رسیدگی به دعاوی مالکیت فکری با وصف بین‌المللی، به‌نظر می‌رسد الحاق ایران به کنوانسیون لاهه ۲۰۰۵ می‌تواند از دو جهت دارای اهمیت باشد. اول آن که عضویت ایران در کنوانسیون موجب مشارکت بیشتر دادگاه‌های ایران در رسیدگی به دعاوی مالکیت فکری خواهد شد. این تأثیر به‌ویژه در دعاوی نقض و اعتبار حقوق مالکیت فکری که مبنای قانونی صلاحیت بین‌المللی برای آن‌ها در حقوق ایران وجود ندارد، بارزتر است. دومین تأثیر مثبت، تسهیل شناسایی و اجرای آرای صادره از سوی دادگاه‌های ایران در دیگر کشورهای عضوکنوانسیون و همچنین شناسایی و اجرای آرای صادره از سوی محاکم خارجی در ایران است. باید پذیرفت که اضافه کردن حقوق مالکیت فکری بر قلمرو کنوانسیون در سال ۲۰۰۴ م بر پیچیدگی‌های آن افزوده است. با این حال، بدیهی است که کنوانسیون به موضوعاتی می‌پردازد که از دغدغه‌های مهم در زمینه حقوق مالکیت فکری و حقوق بین‌الملل خصوصی است که از آن جمله می‌توان به نقش آرای مقدماتی در صلاحیت و شناسایی و اجرای آرا راجع به اعتبار حقوق مالکیت فکری اشاره کرد. فقر ادبیات قانونی ایران در مسائلی از این دست و نیز عضویت نداشتن ایران در کنوانسیون برن موانعی هستند که ممکن است مسئله شناسایی و اجرای آرا را با چالش روبرو کند. اما الحاق ایران به کنوانسیون لاهه این مشکلات را به دلیل پیش‌بینی مکانیزم مؤثر شناسایی و اجرا به حداقل می‌رساند؛ به‌ویژه آنکه قلمرو کنوانسیون از لحاظ موضوعی بیشتر شامل مالکیت‌های ادبی و هنری است.

منابع و مأخذ

الف) فارسی

۱. شمس، عبدالله، (۱۳۸۴). آیین دادرسی مدنی. چاپ هفتم، انتشارات دراک، جلد نخست.
۲. مافی، همایون؛ محمدی، سام؛ و کاویار، حسین، (۱۳۹۰). «دادگاه صالح برای رسیدگی به دعاوی ناشی از قراردادهای الکترونیکی». *مجله حقوقی دادگستری*، سال ۷۵، ش ۷۴، ص ۱۹۰-۱۶۱.

ب) خارجی

3. Draft Convention on Jurisdiction and Recognition of Judgments in Intellectual Property Matters, 5 February 2005, available at http://www.wipo.int/meetings/en/doc_details.jsp?doc_id=12386, accessed at 18/12/2015.
4. Draft on exclusive choice of court agreements (Work. Doc. No 110, revised April 2004, 2004, available at: http://www.hcch.net/index_en.php?act=publications_details&pid=3511&dtid=35.
5. Dreyfuss (2001) "An Alert to the Intellectual Property Bar: The Hague Judgments Convention", *University of Illinois Law review*, No1.

6. Dreyfuss Rochelle C. & Ginsburg Jane C. (2002) "Draft Convention on Jurisdiction and Recognition of Judgments in Intellectual Property Matters", **Chicago-Kent Law Review**, Vol. 77, pp.100-183.
7. ECJ Case C-4/03 Gesellschaft für Antriebstechnik mb H& Co. KG (GAT) v Lamellen und Kupplungsbau Beteiligungs KG. (LuK) [2006] ECJ I-6509.
8. European Max Planck Group on Conflict of Laws in Intellectual Property (2013) **Conflict of Laws in Intellectual Property, The CLIP Principles and Commentary**, London: Oxford.
9. Final Act of the Eighteenth Session, Part B, No 1, Hague Conference on Private International Law, Proceedings of the Eighteenth Session, Tome I, 1999, p.47.
10. Fumagalli, Luigi (2010) "**Litigating Intellectual Property Rights Disputes Cross-Border: Jurisdiction and recognition of Judgments under the Brussels I Regulation**", Bariatti, Stefania (eds) "Litigating Intellectual Property Rights Disputes Cross-Border: EU Regulations, ALI Principles, CLIP Project", Milan: CEDAM, pp.15-38.
11. Informational note on the work of the informal meetings held since October 1999 to consider and develop drafts on outstanding items, Informational note on the work of the informal meetings held since October 1999 to consider and develop drafts on outstanding items, 2001, available at http://www.hcch.net/index_en.php?act=publications.details&pid=3498&dtid=35
12. Interim Text – Summary of the Outcome of the Discussion in Commission II of the First Part of the Diplomatic Conference (6-22 June 2001), prepared by the Permanent Bureau and the Co-reporters, 2001, available at http://www.hcch.net/index_en.php?act=publications.details&pid=3499&dtid=35.
13. Kono T (2012) **Intellectual Property and Private International Law**, Oxford and Portland: Oregon, Hart Publishing.
14. Nygh & Pocar, Report on the Preliminary Draft Convention on Jurisdiction and Foreign Judgments in Civil and Commercial Matters adopted by the Special Commission, Hague Conference, Prel. Doc. No.11, available at http://www.hcch.net/index_en.php?act=publications.details&pid=3494&dtid=35.
15. Pfund, (1994) "**Contributing to Progressive Development of Private International Law: The International Process and the United States Approach**", Recueil des Cours, Vol. 249, pp.13-83).
16. Prel. Doc. No 20 of November 2002 – Report on the first meeting of the Informal Working Group on the Judgments Project of October 2002, 2002, available at http://www.hcch.net/index_en.php?act=publications.details&pid=3504&dtid=35.
17. Prel. Doc. No 21 of January 2003 - Report on the Second Meeting of the Informal Working Group on the Judgments Project of January 2003, 2003, available at http://www.hcch.net/index_en.php?act=publications.details&pid=3505&dtid=35.
18. Prel. Doc. No 22 of June 2003 – Report on the work of the Informal Working Group on the Judgments Project, in particular on the preliminary text achieved at its third meeting of March 2003, 2003, available at http://www.hcch.net/index_en.php?act=publications.details&pid=3507&dtid=35.
19. Prel. Doc. No 25 of March 2004 - Explanatory Report on the Preliminary Draft Convention on Choice of Court Agreements, drawn up by Trevor C. Hartley and Masato Dogauchi, 2004, available at http://www.hcch.net/index_en.php?act=publications.details&pid=3510&dtid=35.
20. Report of the experts meeting on the intellectual property aspects of the future Convention on Jurisdiction and Foreign Judgments in Civil and Commercial Matters, Geneva, February 2001, available at http://www.hcch.net/index_en.php?act=publications.details&pid=3496&dtid=35.
21. Schulz Adrea (2005) "**The Hague Conference Project for a Global Convention on Jurisdiction, Recognition and Enforcement in Civil and Commercial Matters: An Update**", Intellectual property and Private International Law, Heading for the Future, Oxford: Hart Publishing.
22. Schulz Andrea (2005) "**The Hague Projects of a Global Judgments Convention on IP Rights: Recent Developments**", Intellectual Property in the Conflict of Laws, Tubingen: Mohr Siebeck, Vol. 44, pp 39-56.

-
23. UNCITRAL Model Law on Electronic Commerce with Guide to Enactment 1996, with additional article 5 *bis* as adopted in 1998, available at http://www.uncitral.org/uncitral/en/uncitral_texts/electronic_commerce/1996Model.html.
 24. United Nations Convention on Contracts for the International Sale of Goods (Vienna, 1980) (CISG), available at http://www.uncitral.org/uncitral/en/uncitral_texts/sale_goods/1980CISG.html.